

## متولی امور شوراهای مردم‌اند یا مجلس یا دولت؟

فائزه حسینی

قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران در مجلس ششم و هفتم نیز دستخوش تغییرات و اصلاحاتی شده است. به دلیل نوبت بودن و همچنین اهمیت شوراهای که یک فصل از ۱۲ فصل قانون اساسی به آن اختصاص یافته و هفت اصل از ۱۷۷ اصل قانون اساسی مربوط به شوراهای این موارد اصلاحی، قابل تامل است. یک دیدگاه طرفدار تأیید و دخالت دولت در امور شوراهای است. دیدگاه دیگر از نظارت هر چه بیشتر مجلس بر شوراهای حمایت می‌کند و دیدگاه سوم معتقد است امور اصلی شوراهای به عهده اعضای شورا یعنی منتخبین مردم است. همان‌طور که کار اصلی مجلس قانون‌گذاری و کار اصلی وزارت کشور در حوزه اجرای است، می‌توان این دیدگاه‌ها را در قالب پیشنهادی مطرح شده در جلسات علنی مجلس دید.

لازم به ذکر است دولت نهم قانون مربوط به شوراهای که در سال ۱۳۷۵ به تصویب رسیده، بازنگری و در لایحه تقدیمی به مجلس در آن تغییراتی را منظور کرده که برخی به تصویب نمایندگان رسید و بعضی با پیشنهاد کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی، جایگزین شد و در بعضی از موارد هم به قانون قبلی برگشت داده شد. در اینجا به منظور آشنایی با دیدگاه‌های موجود در خصوص شوراهای و نیز نکاتی که در فرایند قانون‌گذاری وجود دارد به برخی از این تغییرات و اصلاحات، پرداخته می‌شود.

برخی از شهرهای نزدیک باعث درگیری شده و مشکلات حادی درست کرده است. این طرح برای این است که افراد نتوانند در شورای دیگری هم به صورت موازی عضو شوند. یک مورد درگیری بین بومهن و رودهن به وجود آمده که با دخالت وزارت کشور مبنی بر این که شهردار یا از شهرداری استعفا بدهد یا از عضویت در شورای شهر، مسئله فیصله پیدا کرد. هدف طرح؛ صراحت قانون و رفع ابهام بود. حسن کامران مخالفت خود را با این استدلال بیان کرده که باید کلان‌نگر باشیم، اگر مشکلی در یک حوزه وجود دارد آن را به طریق کدخداهنشی حل و فصل کنند. کامران این شیوه برخورد را نادرست دانست که اگر هر مورد مشکلی پیدا کرد، یک طرح بدهیم و چند تا امضا جمع کنیم و در کمیسیون هم امضا بگیریم و آن را داخل دستور بگذاریم.

۱۰۸ نفر از نمایندگان به کلیات رأی دادند و تبصره قانونی «شهردار نمی‌تواند همزمان عضو هیچ‌یک از شوراهای اسلامی شهر و روستای کشور باشد» با ۱۲۲ رأی موافق به تصویب رسید.

\*\*\*

لایحه یک فوریتی اصلاح موادی از قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخابات شهرداران مصوب ۱۳۷۵ در اردیبهشت ماه ۱۳۸۵ اعلام وصول شد. دولت هفتم قانون فوق را کارشناسی و از آن حدود ۱۸۰ مورد ابهام استخراج کرد و برای آن که این نهاد از آسیب‌ها دور بماند، لایحه‌ای را به مجلس تقدیم نمود، فوریت آن به دلیل نزدیک بودن زمان انتخابات شوراهای بود، هر چند، برخی از نمایندگان معتقد بودند بررسی و نقد کارشناسی و اصلاحی که مورد نظر مجلس است در قالب یک فوریت عملی نخواهد بود. اما ۱۳۴ نفر از نمایندگان، به فوریت آنها رأی دادند. این لایحه به کمیسیون امنیت

در رابطه با اصلاح تبصره ۲ ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و اختیارات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران طرحی به قید یک فوریت به تصویب رسید. ضرورت طرح این بود که تصدی همزمان شورا و شهردار ممنوع است، هر چند که عضو شورا باید در محل مورد انتخاب ساکن باشد. (تبصره ۲ ماده ۲۶) شهردار نیز بایستی در داخل محدوده قانونی شهر ساکن باشد (ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی)، پس امکان جمع این دو وجود ندارد؛ که در این مورد صراحت قانون و رفع ابهام ضرورت داشت. در غیر این صورت عرصه اجرا و نظارت مخدوش شده و منافع شهرها از بین می‌رود و این‌طور نباشد که چون در کنار یکدیگر هستند، کار هم را توجیه کنند. گذشته از آن که نمایندگان معترف بودند قانون شوراهای نیازمند بازنگری همه‌جانبه است. به جهت اهمیتی که شورای انقلاب و مجلس اول و ششم برای آن قائل شده است؛ در مجلس پنجم نیز مرحوم موحیدی ساوجی برای اجرای این قانون اصرار داشت، فوریت طرح به این دلیل بود که در شهرهایی که فاصله کمی از هم دارند بین شهرداری و شورا روابط تنگاتنگی برقرار است به طوری که عضو شورای شهر در شورای شهر مجاور و یا شهرداری شهر دیگر قرار می‌گیرد. بنا به گفته حاج محمد موحیدی یکی از طراحان؛ کسانی که وارد شورای شهر می‌شوند معمولاً شاغل‌اند و یا در بعضی جاها اعضای شورای شهر شهردار می‌شوند، در واقع یک نفر دارای چند شغل می‌شود. ممکن است گفته شود عضو شورا بودن، شغل نیست؛ ولی در بعضی جاها شاهد بوده‌ایم که یک نفر با کیف خالی وارد شورا شده و با اعمال نفوذ در شورای شهر یا صدها میلیون تومان از بیت‌المال بیرون رفته است، زیرا حق جلسه می‌گیرند و یا از رانت‌ها و امتیازات استفاده می‌کنند، بنابراین چند شغله می‌شوند؛ این طرح از سوی نمایندگان ارائه شد، چون در

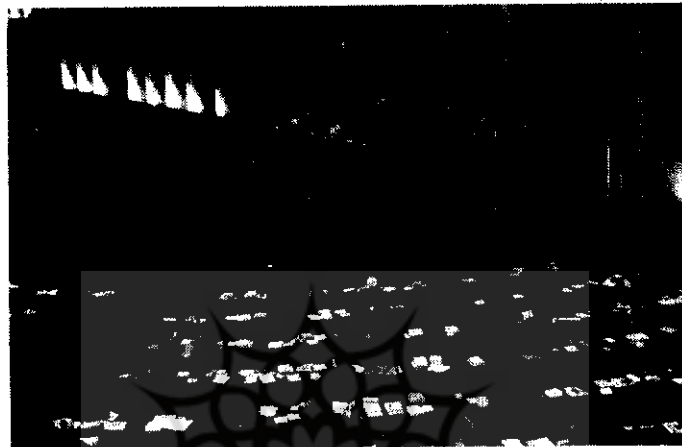
ملی و سیاست خارجی ارجاع شد، اما در کمیسیون، با اکثریت آرا رد شد. مخبر کمیسیون در گزارش خود به این نکته اشاره کرد که اساساً دو نگاه به شورا وجود دارد؛ یکی نگاه قانون اساسی؛ که شوراهای را به عنوان یک ارکان تصمیم گیری در اداره امور کشور می داند، این نگاه در اصول ششم، هفتم، یکصدم تا یکصد و ششم قانون اساسی متجلی شده است. مثلاً در اصل یکصد و دوم قانون اساسی شورای عالی استان ها می تواند پیشنهادهایی را به دولت و یا به مجلس ارائه کند و نمایندگان موظف اند آن پیشنهادها را در قالب طرح بررسی کنند و یا دولت به شکل لایحه به

مجلس شورای اسلامی تقدیم کند و یا در اصل یکصد و سوم قانون اساسی تصریح شده که مقامات دولتی ملزم هستند در حدود اختیارات شوراهای تصمیمات شوراهای را رعایت کنند. دلیل کمیسیون این بود که، این نگاه حاکم بر لایحه نیست و لایحه مغایر با نگاه قانون اساسی است. دولت در موارد بسیاری شوراهای را ملزم کرده تصمیمات وزارت کشور

را اطاعت کنند، به جای آن که شوراهای بر دولتی ها تأثیرگذار باشند، در بخش، بر بخش داران و در شهر بر فرمانداران و در استان بر استانداران و در کشور بر مجموعه تصمیم گیری و تصمیم سازی کشور مؤثر باشند ولی در لایحه، عملاً شوراهای ملزم هستند تصمیمات بخش دار، فرماندار، استاندار را اطاعت کنند و این یعنی خشی کردن و نادیده گرفتن شوراهای. یا مورد دیگر؛ آن که، جایی که قانون اساسی به شوراهای اختیار داده به مجلس

مستقیم طرح بدهند، لایحه، شوراهای را موظف کرده که طرح خود را با وزارت کشور هماهنگ کنند و این با روح قانون اساسی مغایرت دارد. مورد دیگر، کسب مجوز از دستگاه های ذیربط در خصوص تشکیل انجمن ها و نهادهای اجتماعی، امدادی، ارشادی و همچنین تأسیس تعاونی های تولید، توزیع، مصرف و همکاری در انجام آمارگیری است که قبلاً «کسب مجوز» را لازم نداشت، ولی در لایحه آمده؛ این کارها نیاز به کسب مجوز دارد.

در بند دیگری از لایحه گفته شده؛ جهت بررسی و اعلام نظر به وزارت کشور گزارش حسابرسی فرستاده شود. در بحث آموزش به اعضای شورای شهر، آن را به عهده وزارت کشور گذاشته است.



در حالی که قبلاً آموزش توسط شورای عالی استان ها انجام می گرفت. ماده دیگر، مربوط به آیین نامه سازمانی و نحوه تشکیل جلسات شوراهای و تعداد کارکنان، هزینه ها و پرداخت ها به اعضاست. در لایحه ذکر شده؛ این امور توسط شورای عالی استان ها تهیه و پس از تأیید وزارت کشور به تصویب هیئت وزیران می رسد. مورد دیگر، در رابطه با شرایط عضویت است که اگر یکی از اعضای شورا در انجام وظایف قانونی مرتکب قصوری شد یا اقدامی کرد که موجب اخلاف در انجام وظایف شوراهای شود یا عملی بر خلاف شئون اعضای شورا انجام داد برای مدت باقی مانده دوره، سلب

عضویت شود. در قانون قبلی این طور بود که اعضای شوراهای روستا و بخش به پیشنهاد شورای شهرستان و یا فرماندار و در مورد شورای شهر و شهرستان به پیشنهاد شورای استاندار و یا استاندار و تصویب شورای حل اختلاف استان صورت پذیرد، ولی این کار در لایحه تقدیمی مرجع مشخص نشده است و این یعنی انحلال

شوراهای. مورد دیگر، اصلاح در آیین نامه اجرایی قانون شوراهای اسلامی است که می تواند توسط شورای عالی استان ها تهیه شده و مستقیماً به دولت داده شود، اما در لایحه ذکر شده است که این اصلاحیه، توسط وزارت کشور تهیه و به تصویب هیئت دولت می رسد.

بحث نظارت بر انتخابات شوراهای نیز از موارد دیگری بود که آن را مخبر کمیسیون امنیت ملی مطرح کرد. این نظارت توسط هیئت انجام

می گیرد که مرکب از چهار نفر به انتخاب شورای نگهبان و دونفر به انتخاب نمایندگان مجلس و یک نفر دادستان است، بنابراین عملاً مجلس نمی تواند هیچ گونه نظارتی اعمال کند. مخبر کمیسیون از نمایندگان خواست این لایحه را رد کنند تا طرحی که از سوی شورای عالی استان ها به کمیسیون رسیده و کارشناسی شده و توسط خود شوراهای ارائه شده در دستور کار مجلس قرار بگیرد. در مخالفت با رد لایحه هادی حق شناس اظهار داشت، تقریباً ۸۰ درصد تغییراتی که دولت در لایحه خود آورده، شوراهای هم پذیرفته اند و اقدام دولت را تأیید کرده اند، یعنی لایحه دولت با طرح شورای عالی استان ها یک سو و هم جهت بوده است. ندیمی نماینده لاهیجان که

**ندیمی (نماینده لاهیجان) پرسید، آیا این تغییرات انجام شده از جنس تحول و پیش برندگی است؟ یا از جنس تحریک است و یا بازدارندگی؟**

**افروغ: در مورد نظارت هم چرا ما این قدر از شورای نگهبان خرج کنیم. یادمان نرود که شورای نگهبان نهادی مقدس است و جایگاه خاصی دارد. این اصل متمم قانون اساسی که مرحوم شیخ فصل الله نوری مطرح کرد برای چه منویاتی بود؟ ما اینها را با مردم روبه رو می کنیم و ارکان رگین نظام را تضعیف می کنیم، بعد می گوییم چرا تضعیف شد؟**

# انتخابات سومین دوره شوراهای شهر و روستا شوراها

موافق رد لایحه بود اظهار داشت که همان طور که در ابتدای قانون اساسی آمده قدرت نباید در یک جامعه کوچک متمرکز بشود، چرا که تمرکز قدرت به استبداد و خودرأیی می انجامد، با چنین رویکردی توقع این بود قدرت را به نحوی توزیع کنیم که متناسب با قانون اساسی باشد، یعنی جلوگیری از انحصارات و دوم آن که بنا بر مشارکت مردم باشد، وی سپس پرسید، آیا این تغییرات انجام شده از جنس تحول و پیش برندگی است؟ یا از جنس تحریک است و یا بازدارندگی؟

بهرامی که در موافقت با لایحه سخن می گفت اشاره کرده که از نظر سیاسی، اهمیت شوراها مشارکت مردمی است و نرخ توفیق نظام های سیاسی بستگی به نرخ مشارکت مردم دارد. وی گفت هر چند که لایحه، اصلاحات زیادی لازم دارد، اما بهتر است به کلیات آن رأی بدهیم و سپس در شور دوم جزئیات را با پیشنهادات اصلاحی اعمال کنیم.

عماد افروغ در رد لایحه گفت، کمیسیون فرهنگی به کلیات لایحه رأی مثبت داده، اما این رأی صرفاً به اصل ضرورت تغییرات و در ارتباط با اجزای نیست. وی گفت یکی از آسیب های اجرایی پس از انقلاب، رابطه مرکز-پیرامونی است. هیچ کس مخالف سلسله مراتب قدرت نیست، اما اگر با تمرکز و تراکم جغرافیایی همراه باشد به آن تمرکزگرایی می گوئیم.

افروغ در ادامه گفت: شورا سه بیت الغزل دارد، اختیارات، کمیت و اعطای نظارت بر نهادهای مربوط، که می بینیم اختیارات و کمیت است کاهش پیدا کرده و در مورد نظارت هم چرا ما این قدر از شورای نگهبان خرج کنیم. یادمان نرود که شورای نگهبان نهادی مقدس است

و جایگاه خاصی دارد. این اصل متمم قانون اساسی که مرحوم شیخ فصل الله نوری مطرح کرد برای چه منویاتی بود؟ ما اینها را با مردم روبه رو می کنیم و ارکان رکن نظام را تضعیف می کنیم، بعد می گوئیم چرا تضعیف شد؟ ضمن آن که تغییراتی که دولت در لایحه آورده معطوف به افزایش تصدی گری دولت بوده است، به علاوه کاهش تعداد اعضای شورای شهر در شهرهایی مثل تهران و بعد پای شورای نگهبان و دادستانی را به میان کشیده است، افروغ افزود در قانون قبلی، کمیسیون اصل ۹۰ را مطرح کرده بودیم که در مجلس نقش نظارتی موجه تری ایفا می کند. در یکی از بندهای لایحه تصدی گری دولت، چنان برجسته است که می گوئید: چنانچه وزیر کشور تصمیمات شورا را موجب اختلال در امور، تشخیص دهد ضمن دستور توقف اجرا، مراتب، ظرف ۱۵ روز در هیئت مرکزی حل اختلاف رسیدگی و اتخاذ تصمیم می شود و این در جهت تضعیف شوراهاست. پس از بحث های موافق و مخالف، کلیات این لایحه با ۱۴۷ رأی به تصویب رسید.

ماده اول لایحه؛ در رابطه با کاهش تعداد اعضای شورا بدین ترتیب بود که در قانون قبلی روستاهای تا ۱۵۰۰ نفر جمعیت ۳ نفر، روستاهای بیش از ۱۵۰۰ نفر جمعیت، ۵ نفر عضو داشت. در اصلاحیه دولت تا جمعیت ۲۵۰۰ نفر را به سه عضو محدود می کرد. استدلال دولت این بود که در دوره گذشته این تعداد به حد نصاب نرسید، از این رو نتوانستیم شورا را در برخی از روستاها تشکیل دهیم. اما نظر کمیسیون این بود که این مشکل منحصر به دوره های پیشین و به این دلیل بود که زمینه انتخابات

**اگر تعداد اعضا کاهش دهیم ممکن است برخی از محله ها و یا طایفه ها نماینده ای در شورا نداشته باشند و این باعث تضعیف عقبه اجتماعی شورا می شود**

و مشارکت عمومی در شوراهای فراهم نشده بود، ضمن آن که اگر صرفاً سه نفر عضو شورا باشند و یک نفر به هر دلیلی غایب باشد و حضور پیدا نکند عملاً جلسه شورا با دو نفر تشکیل می شود و تصمیم گیری بین دو نفر مشکل است و از شورا قدرت تصمیم گیری گرفته می شود. سوم آن که در روستاهایی که ۲۵۰۰ نفر جمعیت دارد، معمولاً چند طایفه یا چند محله وجود دارد و روستاییان سعی می کنند از هر طایفه نماینده‌ای در شورا حضور داشته باشد و بدین گونه تصمیمات شورا برای آحاد جمعیت روستا مقبولیت اجتماعی داشته باشد، بنابراین اگر تعداد اعضا را کاهش دهیم ممکن است برخی از محله‌ها و یا طایفه‌ها نماینده‌ای در شورا نداشته باشند و این باعث تضعیف عقبه اجتماعی شورا می شود. این ماده از لایحه دولت، به تصویب مجلس نرسید. در مورد تعداد اعضای شورای شهرها، قانون سال ۱۳۷۵ ابقا شد. لایحه دولت بر افزایش اعضا بود، نظر مخالفان این بود که هر چه در شوراهای، تعداد افزایش پیدا کند دامنه اختلافات گسترش می یابد و از سوی دیگر در جمعیت‌های بیشتر تصمیم گیری سخت می شود. ضمن آن که دو ماه پیش از این، مجلس بر ابقای قانون سال ۱۳۷۵ در مورد تعداد اعضای شوراهای رأی داده بود و این که اکنون دوباره قانون را عوض کنند در کشور آشفتگی ایجاد می کند و ذهن مردم تحت تأثیر این موضوع قرار می گیرد و بالاخره آن که هر چه تعداد اعضا بیشتر شود هزینه هم بالا می رود، به هر حال اعضا یک حق جلسه‌ای دریافت می کنند. دکتر سبحانی در مخالفت نظریه

فوق اظهار داشت، بدیهی است وقتی یک جادایر شد هزینه‌هایی هم دارد، شما فواید ناشی از کار جمعی و دموکراسی که از این ناحیه تقویت می شود، کنار می گذارید و چون چند تا شورا در چند شهر با هم اختلاف داشتند و نتوانستند با هم کار کنند یا در انتخاب شهردار مشکل داشتند، اصل مسئله را نادیده گرفته و اصول مسلمی را که در قانون اساسی وجود دارد ناقص اجرا می کنید. دکتر سبحانی در پاسخ به این سؤال که چرا الان سطح کار در مجلس شورای اسلامی بالا نیست؛ گفت یک دلیل این است کسانی که می خواهند کار جمعی بکنند یک مرتبه پس از انتخابات، کار در مجلس شورای اسلامی در مقیاس ملی را تجربه می کنند در حالی که تجربه حکم می کند افراد از شوراهای پایین تر فعالیت جمعی در اداره امور را تجربه کنند و بعد که ارشدیت‌هایی پیدا کردند به مجالسی در سطوح استانی یا ملی راه پیدا بکنند، نمی توان انتظار داشت مجلس شورای اسلامی کارآمد باشد در حالی که اعضای

آن در دوره‌های قبل، تجربه کار جمعی در سطوح شهرستانی یا بخشی یا استانی نداشته باشند. هر کس می خواهد مجلس شورای اسلامی را ارتقا دهد باید شوراهای ارتقا دهد. بدیهی است باید افرادی متناسب با جمعیت کشور باشند که بتوانند امور آنها را مثل پارلمان‌های کوچک اداره کنند. وی گفت؛ بگذارید آن قدر در شوراهای آزمون و خطا شود تا نوعی پختگی برای کار جمعی در جامعه ما ظهور و بروز پیدا کند. در جامعه‌ای که کار حزبی متشکلی وجود ندارد مردم قاعدتاً از این طریق بایستی کارهای شان را با هم انجام بدهند و الا اگر بگویید نمی توانند با هم کار کنند، آنها را به کار انفرادی دعوت کرده‌اید.

فلاحی پیشه در مخالفت اظهار داشت که توسعه کمی بدون توسعه کیفی منجر به ضعف مدیریت و مشارکت می شود. واقعاً سخت است که شورا را با مجلس مقایسه کنیم با توجه به این که امسال یکصد و پنجاه سالگرد تولد مجلس بود، مجلس پس از صد سال جایگاه خودش را پیدا کرده، ولی شوراهای هنوز در ابتدای راه هستند. وی در ادامه به بحث هزینه شوراهای اشاره کرد که با افزایش تعداد شوراهای، هزینه زیادی به شهرداری‌های شهرها تحمیل می شود، کمیسیون در پیشنهاد خود تعداد اعضا را بر اساس مناطق در نظر گرفته بود، مثلاً در کلان شهری مثل تهران تعداد اعضا ۲۳ نفر می شد که با مخالفت نماینده دولت روبرو شد. به گمان وی، اکثریت عددی مکانیزم تصمیم گیری را پیچیده تر می کند و تصمیمات فراکسیونی و اختلافات را افزایش می دهد. نماینده دولت گفت هزینه‌های شورا بالغ

**دکتر سبحانی: تجربه حکم می کند افراد از شوراهای پایین تر فعالیت جمعی در اداره امور را تجربه کنند و بعد که ارشدیت‌هایی پیدا کردند به مجالسی در سطوح استانی یا ملی راه پیدا بکنند، نمی توان انتظار داشت مجلس شورای اسلامی کارآمد باشد در حالی که اعضای آن در دوره‌های قبل، تجربه کار جمعی در سطوح شهرستانی یا بخشی یا استانی نداشته باشند**

**ندیمی: صرف موافقان انتخاب مستقیم شهردار توسط مردم این است که شهرداران توسط شوراهای به صورت باندی و یا رفاقتی انتخاب می شوند و انتخاب آنها متناسب با گرایش‌های کاری نیست، در صورت انتخاب مستقیم، شورا نمی تواند خواسته‌های غیرقانونی و نامشروع را به شهردار تحمیل کند**

بر ۱۰۹ میلیارد تومان حق جلسه است، این مبلغ فقط برای تهران امکان پذیر است و درست نیست که با افزایش اعضا، مبلغی که از بودجه مردم است و از اعتباری که باید صرف خدمات شهری شود، به حق جلسه اختصاص پیدا کند. وی ادامه داد، تقسیم بندی منطقه‌ای مبنای درستی نیست و در شهرهایی مثل اصفهان و مشهد جواب نمی دهد. نماینده دولت ادامه داد، ممکن است افزایش تعداد اعضا کمک کند که تصمیم سازی از قوام بیشتری برخوردار باشد، منتها ضرورتی ندارد که اعضا افزایش یابد، بلکه اعضای منتخب می توانند کمیسیون های مشورتی تشکیل بدهند و با استفاده از متخصصان و با حضور معاونان شهردار، از افراد کمک بگیرند. پیشنهاد کمیسیون رأی نیاورد و سرانجام تعداد اعضای شورا با ۱۵ نفر تصویب شد. در مجلس ششم ۱۵ نفر به ۳۱ نفر افزایش پیدا کرد و دوباره مجلس هفتم آن را به ۱۵ نفر کاهش داد، نظر دولت نیز موافق ۱۵ نفر بود.



یکی دیگر از مواد اصلاحی در رابطه با شرکت نمایندگان مجلس، استانداران، فرمانداران، بخشداران، دهیاران، مدیران کل و رؤسای ادارات در جلسات شورای اسلامی حوزه مسئولیت خود بدون حق رأی بود، نظر کمیسیون، برگشت به قانون قبلی بود، یعنی شهردار نیز می‌تواند در جلسه بدون حق رأی شرکت داشته باشد. لایحه دولت بر حضور شهردار بدون داشتن حق رأی بود که به تصویب رسید.

ماده دیگری در مورد تشکیل جلسه شوراها بود که شوراها در صورت ضرورت و بنا به دعوت دهیار، بخشدار، فرماندار ذیربط موظف به تشکیل جلسه فوق‌العاده هستند. کامران تبصره‌ای پیشنهاد نمود که به تقاضای نماینده هم، شورا موظف به تشکیل جلسه باشد. وی گفت ممکن است در یک شهری بحران درست شود، بنابراین شورا به درخواست نماینده جلسه فوق‌العاده تشکیل بدهد. پیشنهاد وی تصویب نشد، دلیل مخالفان این بود که مگر نماینده، مسئول کنترل بحران است، نماینده مسئول حل مشکلات شهری نیز نیست، همچنین متولی حل بحران چه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و یا هر اتفاق دیگری هم نیست، فرماندار مدیر اجرایی است، چرا نماینده را در این سطوح درگیر می‌کنیم، در حالی که اساس کار اعضای شوراها بر کار عمرانی است تازه اگر هر شهری که چند نماینده دارد درخواست تشکیل جلسه بدهد، بایستی شورا چندین جلسه فوق‌العاده تشکیل بدهد و این کار عملی نیست. در ماده ۱۷ قانون، انتخاب اعضای شورای روستا و شهر به صورت مستقیم، عمومی با رأی مخفی و اکثریت نسبی آرا تعیین شده است. کمیسیون پیشنهاد داده بود که انتخاب شهرداران نیز به گونه مستقیم و با رأی مخفی و اکثریت نسبی باشد. از آنجایی که این تغییر بسیار مهم بود موافقان و مخالفان را به خود اختصاص داد. دکتر سبحانی در

مخالفت با این پیشنهاد گفت که اگر در شوراها توافق روی انتخاب شهردار نباشد و شهردار از سوی مردم انتخاب شود، ارتباط منطقی بین شهردار و وظایف و تمکین‌پذیری او از مصوبات شورا برقرار نخواهد شد. وی افزود، البته ممکن است در مراحل تکامل و ارتقای کارآمدی‌های شورا به مرحله‌ای برسیم که مردم شهرداران را انتخاب کنند، اما در شرایط موجود این نحو انتخاب به ضرر کارآمدی شورا خواهد بود و می‌تواند از درون نظام شورایی را متلاشی کند، زیرا معجزی تصمیمات شورا، شهردار است و شهردار هم توسط آنها انتخاب نشده، در آن صورت مشخص نیست که شهردار در مقابل چه کسی پاسخگوست. کامران دستجردی در موافقت با پیشنهاد کمیسیون اظهار داشت که شورا زمانی دارای کارایی فراوان است که اعضا وقت

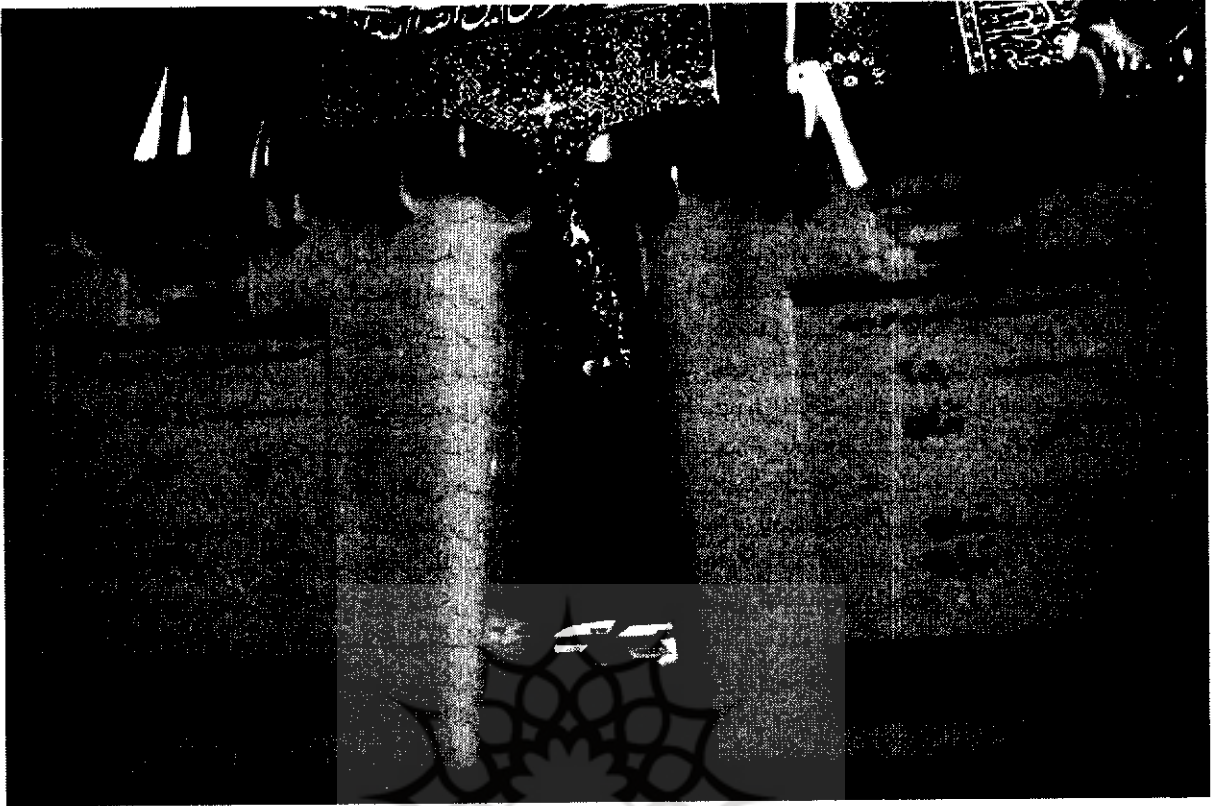
بگذارند، اگر کسی چند جا کار کند در واقع نمی‌تواند وقف مردم باشد. وی گفت که هدفش؛ اتهام‌زدن به کسی نیست، ولی در کارایی شوراها، باندبازی یا رفیق‌بازی نباشد و خدا و کیلی در اختیار مردم باشند، مانند این که نمایندگان و رئیس جمهور، انتخابی هستند، اما مجلس به وزرا رأی می‌دهد، عیناً این کار در شورا انجام می‌شود. درست است که انتخاب شهردار با مردم می‌شود، ولی اختیار استیضاح از شورا گرفته نشده است و شورا می‌تواند شهردار را بر کنار کند، مانند مجلسی که می‌تواند از رئیس جمهور سؤال کند و حتی می‌تواند رئیس جمهور را عزل کند با آن که هر دو انتخابی هستند. این پیشنهاد یعنی انتخاب مستقیم شهرداران توسط مردم، نه تنها حوزه کاری شورای شهر را آسیب‌پذیر نمی‌کند که اختیار شورا را نیز کم نکرده است، بلکه خروجی آن برای مردم است.

ندیمی نماینده لا هیجان در مخالفت گفت صرف موافقان انتخاب مستقیم شهردار توسط مردم این است که شهرداران توسط شوراها به صورت بانندی و یا رفاقتی انتخاب می‌شوند و انتخاب آنها متناسب با گرایش کاری نیست، در صورت انتخاب مستقیم، شورا نمی‌تواند خواسته‌های غیرقانونی و نامشروع را به شهردار تحمیل کند و دلیل دیگر این که شوراها سیاستگذار باشند و به نوعی در اجرا دخالت نکنند و شهرداران سوابق مرتبط داشته باشند که همه اینها درست است، اما ربطی به رأی مستقیم ندارد، آیا اگر شهردار مستقیماً انتخاب شود تعارضات بین شهرداران و شوراها رفع می‌شود یا عمیق‌تر می‌شود. ممکن است شوراها از خودشان مسئولیت رانفی کنند و بگویند شهردار این کار را کرد. وی پرسید اگر شهردارها با رأی مردم انتخاب شوند، دیگر شورا را برای چه می‌خواهیم؟ ضمن آن که درگیری‌های شهری و روستایی را زیاد کرده‌ایم، زیرا به این موضوع تسری پیدا می‌کند که بگویم دهیارها هم مستقیم انتخاب شوند.

**چرا با درجه‌بندی‌ها به یکی از دو گروه چه اسم آن نظارت باشد و چه اسم آن هیئت اجرایی، این فرصت را بدهید که با آبروی اشخاص بازی کنند، یکی از این دو گروه، نباید این قدر اختیار داشته باشد که در رد اشخاص به گونه‌ای عمل کنند که دیگر طرف نتواند در محله‌اش سرش را بلند کند**

**نماینده حقوقی وزارت کشور: لایحه دولت «تأیید و حکم» شهردار را به وزارت کشور اختصاص داده است. وی گفت لازم است تضمینی برای پاسخگوبودن وزیر و دولت به مجلس باشد. در روال کنونی وزیر کشور نقشی ندارد و به تناسب این عدم وظیفه در قبال نمایندگان مسئولیتی ندارد**

جلالی مخبر کمیسیون امنیت ملی در توضیح پیشنهاد گفت: اولاً براساس قانون، شوراها وظایف بی‌شماری دارند و به جای آن که هر روز تمام فشارها و درگیری‌ها با شهردار باشد، چون شهردار هم از پایگاه مردمی برخوردار است این فرصت برای شوراها و شهر به وجود می‌آید که اصولاً به وظایف خودشان بپردازند، همین دو دوره تجربه شوراها نشان می‌دهد که بسیاری از وظایف شوراها معطل مانده یا رقیق انجام شده و یکی از دلایل عمده آن، تنازعات بین شهرداری و شورای شهر است، اما این که مخالفان روی تنازعات تأکید می‌کنند، وقتی شهردار از جانب مردم انتخاب شود و شوراها هم با انتخاب مردم است و هر دو پایگاه مردمی دارند بنابراین همان رابطه ریاست جمهور و مجلس به وجود می‌آید



و به جای آن که هر روز به چالش بپردازند می‌توانند به وظایف اصلی خودشان روی بیاورند.

معاون حقوقی وزارت کشور در رابطه با انتخاب مستقیم از چند جنبه مخالفت کرد؛ اول آن که کلیدی‌ترین وظیفه شورا که انتخاب شهردار است حذف می‌شود. دوم آن که در ۱۰۱۵ شهر کشور باید انتخاب شهردار انجام شود، هزینه برگزاری یک انتخابات، مستقیم یا غیرمستقیم بیش از ۱۰۰ میلیارد تومان است. با توجه به آن که خود نمایندگان برای کاهش هزینه‌ها و تنش‌ها، درخواست جمع‌آوری انتخابات را داده‌اند و این هزینه سنگینی است که بر مردم تحمیل می‌کنیم. سومین نکته آن که، وقتی شهردار توسط مردم انتخاب شد، طبیعتاً حتی استیضاح و حق عزل برای شورا قائل‌ایم و چون شورا، شهردار را انتخاب نکرده ممکن است در بسیاری از موارد با هم در تضاد باشند و به عزل شهردار منجر شود و هر چند ماه یک‌بار باید انتخابات شهردار را برگزار کنیم و مدیریت‌های شهری هم ثبات پیدا نمی‌کنند و تا تعیین شهردار بعدی باید سرپرست شهرداری منصوب شود که طبق این قانون، شورا نمی‌تواند انتخاب کند و باید بگویم سرپرست را استاندار و وزیر کشور منصوب کنند که با آن رویکردی که داریم مخالفت است و انتصابی می‌شود.

نکته دیگری که معاون دولت به آن اشاره کرد این که وقتی شهردار با رأی مردم انتخاب شد امکان تقابل با مسئولان انتصابی منطقه از قبیل استاندار و فرماندار زیاد خواهد شد، شهردار می‌گوید مستظهر به رأی مردم هستیم، آقای استاندار! باید این کار را بکنی و درگیری بین شهردار و استاندار و فرماندار زیاد خواهد شد. همچنین اختلافات و چالش‌ها

بین شهردار و شورا هم تشدید خواهد شد. آخرین نکته از دیدگاه معاون حقوقی دولت این بود که شهردار یک پست اجرایی است. انتخابی کردن شهردار، او را در جرگه مسئولیت‌های سیاسی قرار خواهد داد، وقتی شهردار همه هم و غم‌اش رأی گرفتن از مردم بشود و به عنوان یک رقیب در کنار سایر مراجع انتخابی مردم قرار گیرد چه خواهد شد؟ مدیریتی که باید همه تلاش‌اش صرف امور شهری شود، به زدو بندهای سیاسی، ساخت و باخت با گروه‌ها و رسیدگی به این‌که برای دور آینده هم رأی بیاورد، می‌گذرد.

پس از بحث‌های موافق و مخالف، بر سر انتخاب مستقیم شهرداران، ۱۳۱ نفر با حذف آن موافقت کردند. ماده دیگری نامزد شدن اعضای شوراهای اسلامی روستا و شهر در انتخابات مجلس شورای اسلامی را منوط به پذیرش استعفای آنها از سوی شورا، قبل از پایان مهلت قانونی مقرر ذکر کرد که این ماده به تصویب رسید. شیوه انتخاب هیئت اجرایی شهرستان نیز از موادی بود که بحث‌های موافق و مخالف زیادی را به خود اختصاص داد. بدین ترتیب که هشت نفر معتمد هیئت اجرایی از بین ۳۰ نفری که فرماندار از معتمدان اقشار مختلف مردم از تمامی شهرهای محدوده شهرستان، فرماندار انتخاب می‌کند، برگزیده می‌شوند. کمیسیون در پیشنهاد خود اشاره کرد که هشت نفر پس از انتخاب، به تأیید هیئت نظارت برسند. هیئت نظارت؛ مرکب از سه نماینده مجلس هستند که بر کار فرماندار نظارت کنند. دکتر سبحانی این برخورد را ناخواسته توهین به کسانی دانست که به عنوان معتمد دعوت می‌شوند، ولی حاج بابایی گفت هیئت اجرایی که از اول انقلاب هم این‌گونه

بوده تا امروز در مورد مجلس و ریاست جمهوری همین طور است و اکنون به این شیوه اجرا می شود که وقتی می خواهند معتمدی را انتخاب کنند اول باید به تأیید هیئت نظارت برسد، بعد آن سی نفر را تأیید کنند. قانون مصوب مجلس ششم تأیید هیئت نظارت را حذف کرده بود.

حقی شناس در رابطه با هیئت های نظارت گفت، وظیفه هیئت های نظارت تعیین صلاحیت داوطلبان شوراها، نظارت بر انتخابات شورای شهر و روستا سر جای خودش است، یعنی شأن هیئت های نظارت برای انتخاب شوندگان است، ولی ما سراغ هیئت های اجرایی می رویم و به نوعی هیئت های نظارت را با هیئت های اجرایی درگیر می کنیم یا هیئت نظارت را با معتمدان یا با فرمانداری درگیر می کنیم. در صورتی که اصل کار هیئت نظارت بر روند انتخابات و صحت آن است. وی افزود، به طور مثال یک فرماندار نیاز به دو یا سه هیئت نظارت داشته باشد. در هر مقطعی بیاید ۳۰ نفر معرفی بکند و چون هم بخش، هم روستا و هم شهردار هست، بنابراین حداقل باید ۶۰ نفر معتمد معرفی کند و احتمال دارد به بیش از ۱۰۰ نفر هم برسد، اگر قرار باشد هیئت نظارت اینها را رد کند اصلاً هیئت اجرایی در روند این انتخابات دچار مشکل جدی خواهد شد. به علاوه آن که، اگر ما به فرمانداران اعتماد کنیم به کسانی که به عنوان معتمد انتخاب می شوند، اعتماد کرده و در نهایت از بین ۳۰ نفر، ۸ نفر انتخاب خواهند شد. جلالی مخبر کمیسیون امنیت ملی؛ در دفاع از تأیید هیئت نظارت گفت، چگونه می شود هنگامی که یک فرماندار بر اساس برداشت های شخصی خودش یک عده را به عنوان معتمد انتخاب می کند این توهین نمی شود، اما اگر سه نفر نماینده مجلس نظارت کنند که فرماندار گرایشات سیاسی و عقاید خود را در تعریف معتمد دخالت نداده باشد، این توهین تلقی می شود. آیا معتمدان همان سی نفری هستند که توسط فرماندار انتخاب می شوند؟!

موضوع نظارت در لایحه دولت پیش بینی شده ولی به کمیته ای مرکب از نمایندگان مجلس، شورای نگهبان و قوه قضاییه نیز واگذار شده است. با آن که اصل هیئت نظارت به تصویب رسید دکتر سبحانی بر ابقای ماده ۴۸ قانون اصرار داشت که نظر هیئت های اجرایی مبنی بر تأیید صلاحیت داوطلبان قطعی است و نظر هیئت های مذکور در خصوص رد صلاحیت داوطلبان حسب مورد با تأیید هیئت های نظارت معتبر است. وی افزود، به نظر می رسد در هر دو مجلس، افراط و تفریط صورت می گیرد و ابقای ماده ۴۸ معنایش این است که اگر کسانی صلاحیت شان رد شد بتوانند به هیئت های نظارت شکایت کرده و احقاق حق کنند؛ آنچه مهم است حقوق افراد است که نباید در لابه لای کلمات قانون یا سلايق و گرایشات سیاسی تحت الشعاع قرار بگیرد.

در این رابطه ندیمی گفت، نه هیئت های اجرایی را آن قدر بزرگ کنید که پدر مردم را در بیاورند و نه به نظارت این قدر فرصت بدهید که در رابطه با قلمرو زندگی خصوصی مردم کارهایی کنند که قابل دفاع نیست. ما می بینیم که

در مورد فردی با ۴ سال سابقه جبهه و جانباز ۷۰ درصدی؛ اشتهاز گروهکی نوشته اند. برخی عناوین، منشأ سوء استفاده می شود و ما به عده ای فرصت می دهیم با آبروی مردم بازی کنند. ندیمی گفت، بیایم تعادل ایجاد کنیم چرا با درجه بندی ها به یکی از دو گروه چه اسم آن نظارت باشد و چه اسم آن هیئت اجرایی، این فرصت را بدهید که با آبروی اشخاص بازی کنند، یکی از این دو گروه، نباید این قدر اختیار داشته باشد که در رد اشخاص به گونه ای عمل کنند که دیگر طرف نتواند در محله اش سرش را بلند کند. ممکن است بعد آگرومی برداشت دیگری کنند و این واژه هایی را که قابل تفسیر است علیه زندگی مردم به کار برند. مخبر کمیسیون اظهار داشت دخالت هیئت نظارت فقط در رد صلاحیت ها، مد نظر است، ولی اگر کسی تأیید صلاحیت شد نیازی به تأیید هیئت نظارت نیست، این ماده به تصویب رسید، با این عنوان که تأیید صلاحیت داوطلبان با تأیید هیئت های نظارت معتبر است و چنانچه پس از هفت روز از تاریخ دریافت، نتیجه رسیدگی صلاحیت آنها، هیئت نظارت نظر خود را اعلام نکند، نظر هیئت اجرایی ملاک قرار خواهد گرفت.

ماده دیگری که بسیار مورد بحث قرار گرفت و سرانجام از رأی کافی برخوردار نشد و به تصویب نرسید، مسئله نظارت بر انتخابات شورا های اسلامی شهر و روستا بود. لایحه دولت آن بود که هیئت مرکزی نظارت بر تمامی مراحل انتخابات، حسن جریان امور، اقدامات هیئت های اجرایی و وزارت کشور و تعیین صلاحیت نامزدهای عضویت در شورا های اسلامی نظارت خواهد کرد. کمیسیون، امنیت نظارت را به عهده مجلس گذاشته بود چنانچه این روند در طول سه دوره انتخابات انجام شده است. لایحه دولت، نظارت بر انتخابات شوراها را به هیئت ۷ نفره مرکب از دو نفر نماینده مجلس و چهار نفر با انتخاب شورای نگهبان و دادستان کل کشور واگذار کرده بود که این افراد، هیئت مرکزی نظارت را تشکیل می دهند. نظر کمیسیون این بود که خود شورای نگهبان بر اساس اصل ۹۹ قانون اساسی قائل بر این است که نظارت او بر انتخابات مجلس شورای اسلامی و در ریاست جمهوری انحصاری است، ثانیاً پیشنهاد دولت با اصل پاسخگویی منافات دارد و معلوم نیست در این ترکیب، اساساً چه نهادی پاسخگوست. در مورد ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی، پاسخگو شورای نگهبان است، اما معلوم نیست در این نهاد ترکیبی آیا شورای نگهبان در مقابل رد یا تأیید صلاحیت ها پاسخگوست یا مجلس شورای اسلامی یا دادستان کل کشور. در حالی که معاون حقوقی و امور مجلس وزارت کشور در دفاع از لایحه اظهار نظر نمود که چون یک ساز و کار عملیاتی و اجرایی برای نظارت نمایندگان وجود ندارد و افرادی که در هر دوره انتخاب می شوند آشنا با ساز و کار نیستند و ابزارهای لازم را ندارند و کار نظارتی نکرده اند وارد یک عرصه پر چالش و پیچیده یک میدان پر دردسر می شوند. اشکال دیگر این است که نمایندگان را از وظایف اصلی شان که قانون گذاری است بازمی دارد و نکته دیگر این که این وضعیت

**طلایی نیک اظهار داشت، اگر شهردار توسط دولت تعیین شود حداقل اختیار شوراهای اسلامی در رابطه با انتخاب شهردار را سلب کرده ایم که با سیاست های کلی کشور و جهت گیری قوانین برنامه، مغایرت دارد**

موجب تنزل جایگاه مجلس می شود و کسانی که رد صلاحیت شده اند آن را از دید نماینده مجلس می بینند. در بعضی از استان ها، علیه نماینده ها شب نامه پخش کرده اند و تبعات آن در محیط های کوچک آن قدر سنگین است که ممکن است تا چند سال، ادامه داشته باشد به علاوه، هزینه هایی که بر این وضعیت کنونی بار می شود، حدود ۱۰ میلیارد تومان است، تازه باید افرادی آموزش ببینند. نظر دولت بر حذف نظارت نمایندگان نیست، بلکه می خواهد بار سنگین عملیات اجرایی و تبعات منفی آن بر دوش نماینده نباشد، به طبع؛ نماینده، پاسخگو هم نخواهد بود و مورد بازخواست هم قرار نمی گیرد و فقط دیدگاه های مجلس را نسبت به افراد منعکس می کند. پیشنهادات دیگری از سوی نمایندگان مبنی بر افزایش تعداد نمایندگان مجلس در هیئت نظارت مطرح شد؛ در یکی از پیشنهادات نمایندگان انتخابی را از میان افراد پیشنهادی از سوی کمیسیون امنیت ملی و کمیسیون اصل نود مطرح می کرد، ولی هیچ کدام از پیشنهادات به تصویب نرسید.

بررسی و اظهار نظر پیرامون طرح های عمرانی، فرهنگی، آموزشی، خدماتی و اقتصادی و سایر امور رفاهی مرتبط با محدوده بخش که از سوی دستگاه های اجرایی به مراجع قانونی پیشنهاد می شود، همچنین نظارت بر حسن اجرای مصوبات شورای اسلامی بخش و نظارت و پیگیری اجرای طرح ها و پروژه های عمرانی بخشی از وظایف شوراهای اسلامی بخش است که به تصویب نمایندگان رسید. انتخاب شهرداران در لایحه دولت هم، ماده ای را به خود اختصاص داده بود که مورد بحث های فراوانی قرار گرفت، اما به تصویب نرسید، همچنان که پیشنهاد کمیسیون نیز به تصویب نرسید. نماینده دولت در دفاع از لایحه اظهار داشت: یک پیشنهاد این است که شورا در نصب شهرداران دخالتی نداشته باشد، به طوری که وزیر کشور حکم بدهد، پیشنهاد دسته دیگری از نمایندگان این است که وزیر کشور یک نفر را به عنوان شهردار به شورای شهر پیشنهاد بدهد و شورای شهر تأیید کند. لایحه دولت «تأیید و حکم» شهردار را به وزارت کشور اختصاص داده است. وی گفت، لازم است تضمینی برای پاسخگو بودن وزیر و دولت به مجلس باشد. در روال کنونی وزیر کشور

نقشی ندارد و به تناسب این عدم وظیفه در قبال نمایندگان مسئولیتی ندارد. موسی پور، به عنوان نماینده حقوقی دولت افزود، یکی از مشکلات کنونی این است که نمایندگان در رابطه با عملکرد شوراها و یا شهردار مکاتباتی دارند که دولت نمی تواند پاسخگو باشد زیرا دولت نمی تواند از شهردار سؤال کند و وزارت کشور صرفاً حکم را می زند و در این فرایند، هیچ تأثیرگذاری ندارد. در بند دیگر این ماده، کسب مجوز از دستگاه های ذیربط در خصوص تشکیل انجمن ها و نهادهای اجتماعی، امدادی، ارشادی و همچنین تأسیس تعاونی های

تولید، توزیع، مصرف و همکاری در انجام آمارگیری با رعایت مقررات مربوط، از وظایف شورا بر شمرده شده است. تبصره دیگری در رابطه با گزارش حسابرس رسمی است که می باید جهت اعلام نظر نهایی به وزارت کشور ارسال شود. تأیید دولت در مورد نصب شهردار، کسب مجوز در خصوص تشکیل انجمن ها و نهادهای اجتماعی و ارسال گزارش حسابرسی به وزارت کشور مورد تأیید کمیسیون نبود و با آن مخالفت شد و سرانجام این ماده از لایحه به تصویب نمایندگان نرسید. از سوی نمایندگان پیشنهاداتی در رابطه با انتخاب شهرداران مطرح شد. موسی قربانی در توضیحاتی گفت گرچه شورای نگهبان قانون اولیه ای که پس از پیروزی انقلاب تصویب شده بود، تأیید کرد که در مجلس ششم اصلاح شد و انتصاب شهردار به عهده شوراها قرار گرفت. ایراد شورای نگهبان به مصوبه مجلس ششم این بود که انتخاب یا انتصاب شهردار توسط شورا کار اجرایی است نه نظارت و آن را مغایر اصل ۱۰۰ قانون اساسی دانست. مجلس ششم مصوبه خود را حذف کرد و قانون قبلی اجرا شد. بنابر استدلال شورای نگهبان، تعیین شهردار از سوی شورا خلاف قانون اساسی است.

طلایی نیک در پاسخ به این استدلال اظهار داشت، اگر شهردار توسط دولت تعیین شود حداقل اختیار شوراهای اسلامی در رابطه با انتخاب شهردار را سلب کرده ایم که با سیاست های کلی کشور و جهت گیری قوانین برنامه، مغایرت دارد. بر اساس قانون برنامه سوم و چهارم توسعه؛ می باید تصدی گری دولت کاهش یافته و تمرکززدایی و همچنین جایگاه نهادهای عمومی و مردمی تقویت شود، هزینه های دولت کاهش یابد، وظایف دولت کمتر شده و سازمان دولت کوچک تر شود، اگر ما به سیاست های ناموفق قبلی برگشت کنیم، فلسفه وجودی شورا بر اساس اصول ۶ و ۷ و ۱۰۰ قانون اساسی به یکباره کنار گذاشته می شود و اگر این ابزار نظارتی و مشارکت نمایندگان مردم در شورای شهر را سلب کنیم، یک شورای تشریفاتی و بی خاصیت می شود. عضو کمیسیون امنیت ملی افزود، در حال حاضر که شوراها اختیارات کافی برای نظارت به شرکت های دولتی و فعالیت های عمومی دولتی را ندارند، فقط می توان به آنها اطلاق شورای شهرداری کرد نه شورای شهر، که اگر همین یک مورد شهرداری را هم از آنها بگیریم، نه می شود شورای شهر و نه شورای شهرداری، بلکه یک شورای تشریفاتی است، با آن که این همه هزینه و فضای انتخاباتی و چالش سیاسی و اجتماعی فراهم می کنیم، نهایتاً یک شورای بدون اختیاری را شکل می دهیم. پیشنهاد این نماینده این بود که شهردار به پیشنهاد و توسط شورا تعیین شود، ولی حکم و اعتبارنامه او توسط دولت صادر شود که قبلاً توسط شورای نگهبان تأیید شده است.

معاون حقوقی وزارت کشور در

**جلالی گفت: این نگاه خوبی نیست که ما همه چیز را به نمایندگان مجلس گره بزنیم، باید به سمتی حرکت کنیم که کل امور مربوط به شهرسازی و عمران شهری و شهرداری در دست شورای شهر باشد و وقت نمایندگان مجلس به کار قانون گذاری اختصاص پیدا کند، ضمن آن که نباید عملکرد نپخته برخی از شوراها را به علت عمر کم آنها به همه شوراها سرایت بدهیم و تصمیماتی بگیریم که به نفع آنها نیست و با روح مردمسالاری مخالف است**



مخالفت با پیشنهاد فوق به چند مورد اشاره کرد: این که اگر شهردار از طرف وزیر کشور یا استاندار منصوب شود در جذب اعتبارات و عمران شهرداری وحدت رویه به وجود می آید. دوم آن که وزیر کشور در قبال عملکرد شهرداران پاسخگو خواهد بود، بنابراین حساسیت وزیر کشور برای انتخاب یک مدیر توانمند، به دور از گرایش های سیاسی و چالش ها دسته بندی های سیاسی و سهم خواهی ها به مراتب بیشتر می شود، ضمن آن که چون شوراها بر عملکرد شهرداران نظارت می کنند، تضعیف شورا هم نخواهد بود. یکی از موافقان دیگر این پیشنهاد گفت، اگر اجرا به قوه مجریه سپرده شود و سیاستگذاری دست شوراها باشد، می توان از قوه مجریه سؤال کرد یا استیضاح نمود، در حال حاضر اگر شهرداری عیوبی داشته باشد نمایندگان هیچ کاری نمی توانند بکنند.

جلالی مخبر کمیسیون امنیت ملی، ضمن مخالفت با این استدلال گفت؛ این نگاه خوبی نیست که ما همه چیز را به نمایندگان مجلس گره بزنیم، باید به سمتی حرکت کنیم که کل امور مربوط به شهرسازی و عمران شهری و شهرداری در دست شورای شهر باشد و وقت نمایندگان مجلس به کار قانون گذاری اختصاص پیدا کند، ضمن آن که نباید عملکرد نپخته برخی از شوراها را به علت عمر کم آنها به همه شوراها سرایت بدهیم و تصمیماتی بگیریم که به نفع آنها نیست و با روح مردم سالاری مخالف است. این ماده لایحه دولت به تصویب نمایندگان نرسید، به این معنی که نظر مجلس در ماده بر آن بوده که شهردار توسط شورا تعیین شود. پس از آن؛ کمیسیون تقاضای استیضاح را نیز جزء وظایف شورا پیشنهاد نمود. طلایی نیک این دغدغه را مطرح کرد که اگر در برخی از شهرها بین شورا و شهرداری یک روابط ناسالمی شکل بگیرد و شرایط روانی - اجتماعی ایجاد شود که شورا نتواند نظارت کارآمد و مؤثری بر شهرداری داشته باشد و نتواند شهرداری را که از وظایف قانونی خود منحرف شده برکنار نماید، از این رو تقاضای استیضاح از طرف فرماندار یا استاندار صورت بگیرد. کمیسیون با این پیشنهاد مخالفت کرد چرا که همین اعضای شورا هستند که باید به عنوان موافق یا مخالف استیضاح صحبت کنند مگر آن که بگوئیم فرماندار یا استاندار چند نفر را در شورا پیدا کنند و به آنها بگویند به عنوان موافق و مخالف صحبت کنند که عملاً چنین استیضاحی نتیجه ای ندارد. مطلب دیگر آن که استیضاح حق کسی است

کنونی استیضاح با پیشنهاد نمایندگان عملی می شود، مثلاً از یک شورایی که ۵ نفر عضو دارد با دو متقاضی و یا شوراهایی که ۱۵ نفر عضو دارند با ۵ نفر متقاضی، استیضاح عملی می شود. پیشنهاد جدید بر تقاضای دو سوم اعضا بوده که کار را مشکل تر می کرد، البته این پیشنهاد بر اساس انتخاب مستقیم شهردار مطرح شده بود که دلیل آن هم خدشه دار شدن رأی مردم ذکر شد ولی چون انتخاب، مستقیم رأی نیاورد، از این رو پیشنهاد جدید مبنی بر استیضاح شهردار به تقاضای دو سوم اعضا منتفی تلقی شد. عضویت رئیس شورای شهرستان در کمیته برنامه ریزی شهرستان با داشتن حق رأی نیز از پیشنهادات دیگر بود، برخی داشتن حق رأی را مخالف صریح قانون اساسی می دانستند و سرانجام به تصویب نرسید.

از مواد دیگری که در رابطه با وظایف و اختیارات شوراها به تصویب رسید، عضویت رئیس شورای استان در جلسات شورای برنامه ریزی و توسعه استان، ولی بدون حق رأی بود. نظارت بر حساب درآمد و هزینه های مشترک شهرداری های استان با انتخاب حسابرسی رسمی و اعلام موارد تخلف به مراجع ذیربط و پیگیری قانونی انجام و یک نسخه از گزارش حسابرسی به وزارت کشور ارسال می شود؛ از نظارت بر حساب درآمد و هزینه سازمان همیاری شهرداری ها، انتخاب حسابرسی رسمی هم یک نسخه گزارش جهت بررسی و هرگونه اقدام قانونی، به وزارت کشور ارسال می شود.

در رابطه با آموزش اعضای شوراها نیز بحث های قابل توجهی صورت گرفت. در لایحه دولت؛ آموزش اعضا به عهده وزارت کشور گذاشته شده بود که توسط سازمانی به نام مرکز آموزش وزارت کشور انجام می شود. این مرکز دارای پرسنل و کارشناسانی است که می توانند آموزش اعضای شورا را هم عهده دار باشند و به گفته معاون حقوقی وزارت کشور، بر اساس قانون برنامه چهارم، آموزش و توسعه شوراها از وظایف وزارت کشور است و اگر بیایم به موازات این مرکز، در شورای عالی استان ها هم ساختار این چنینی به وجود بیاوریم، هدر دادن هزینه ها، نیروها و امکانات است. اما مخالفان، بر این عقیده بودند که شوراها زیرمجموعه وزارت کشور نیست که بخواهیم دائم امور آنها را به وزارت کشور گره بزنیم، بلکه یک ماهیت مردمی دارند و تا جایی که امکان پذیر است باید خودشان مسائل را حل و فصل کنند، این که مرکز دیگری بخواهد متولی کار شوراها شود، با

**شوراها زیرمجموعه وزارت کشور نیست  
 که بخواهیم دائم امور آنها را به وزارت  
 کشور گره بزنیم، بلکه یک ماهیت  
 مردمی دارند و تا جایی که امکان پذیر  
 است باید خودشان مسائل را حل و فصل  
 کنند، این که مرکز دیگری بخواهد متولی  
 کار شوراها شود، با روح و ماهیت کار  
 آنها، تعارض پیدا می کند**

روح و ماهیت کار آنها، تعارض پیدا می کند.  
 پیشنهاد کمیسیون این بود آموزش به شورای عالی استان ها واگذار شود تا اعضای شوراها با وظایف خودشان از طریق برگزاری دوره های کوتاه مدت کاربردی آشنا شوند؛ منتها با همکاری وزارت کشور، این طرح، به تصویب رسید.

که منصوب می کند، مثلاً استیضاح وزیر در مجلس به این دلیل است که مجلس در نصب وزیر دخالت دارد، بنابراین به لحاظ حقوقی درست نیست که استیضاح به خارج از شورا محول شود. نماینده دولت نیز این پیشنهاد را فاقد ضمانت اجرایی دانست و با آن مخالفت کرد و سرانجام هم به تصویب نمایندگان نرسید.  
 ماده دیگری در رابطه با شیوه استیضاح شهردار مطرح شد. در قانون